

دوفصلنامه علمی «پژوهش سیاست نظری»

شماره بیست و هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۹: ۱-۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۱

نوع مقاله: پژوهشی

عوامل و موانع مؤثر بر نقش آفرینی نهادهای مدنی در کارآمدی دولت جمهوری اسلامی ایران^۱

خسرو قبادی*

چکیده

نهادهای مدنی نقش بسزایی در کارآمدی دولت‌ها دارند. داده‌های بانک جهانی و تأکید نظریه پردازان صاحب‌نام جهانی بر نقش نهادهای مدنی، بیانگر اهمیت این نهادهاست. در ایران نیز نهادهای مدنی در حوزه‌های مختلف، کم و بیش به فعالیت می‌پردازند و می‌توانند نقش مؤثری در کارآمدی دولت ایفا کنند. ولی برای نقش آفرینی مؤثر، نیازمند شناخت کاملی از موانع و عوامل مؤثر بر این نقش آفرینی با توجه به تجربه فعالان خود نهادهای مدنی هستیم.

در این مقاله با استفاده از منابع موجود اسنادی، نهادهای مدنی موجود با گستره ملی مشخص شدند. سپس با نظر صاحب‌نظران این حوزه و با استفاده از تکنیک دلفی، یازده نهاد مدنی در سه گروه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی انتخاب شد. در مرحله بعد، یازده جلسه کانونی با حداقل پنج تن از فعالان هر یک از نهادهای مدنی و کارشناسان دولتی در حوزه مرتبط و صاحب‌نظران دانشگاهی برگزار شد. در این جلسات، عوامل مؤثر و موانع نقش نهادهای مدنی در کارآمدی دولت به بحث گذاشته شد و بحث‌ها روی کاغذ آورده و کدگذاری شد و کدگذاری تا مرحله اشباع پیش رفت.

با توجه به داده‌های به دست آمده در مرحله قبل، نکات کلیدی جلسات کانونی

۱. این مقاله برگرفته از طرح «نقش نهادهای مدنی در کارآمدی دولت جمهوری اسلامی ایران» است که در

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی انجام گرفته است.

* استادیار گروه علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران



استخراج شد که در نهایت در مقوله جداگانه عوامل مؤثر و موانع مؤثر، ۲۳ عامل مؤثر و ۴۶ مانع مؤثر در نقش‌آفرینی نهادهای مدنی بر کارآمدی دولت استخراج شد. با توجه به نتایج مرحله قبل مشخص شد که مهم‌ترین عامل نقش نهادهای مدنی در کارآمدی دولت، خود دولت است و دولت علاقه‌ای به ایفای نقش مؤثر نهادهای مدنی ندارد و در صورت اجازه دولت، نهادهای مدنی نقش بسیار مؤثری در کارآمدی دولت خواهند داشت. همچنین مطابق با نتایج این پژوهش، موانع مؤثر بر نقش نهادهای مدنی در کارآمدی دولت از اهمیت بیشتر نسبت به عوامل مؤثر برخوردار است. این امر نشان‌دهنده نوعی بی‌اعتمادی و بدبینی دولت به نهادهای مدنی است.

واژه‌های کلیدی: نهادهای مدنی، دولت، کارآمدی، عوامل، موانع.

مقدمه

نوشته حاضر مبتنی بر بخشی از یافته‌های پژوهشی گسترده است که در حجم یک مقاله سامان داده شده است. از این‌رو در این مقدمه به اختصار به نکات نظری مربوط به مفهوم‌بندی، روش تحقیق و الگوی نظری اشاره می‌شود:

تأملات مفهومی و مصداقی بر جامعه مدنی و کارآمدی آن

نهادهای مدنی

نهادهای مدنی در حقیقت تجسد، تجسم و تعین بیرونی جامعه مدنی^۱ هستند^(۱) و در بستر جامعه مدنی است که نهادهای مدنی و کارگزاران آن شکل گرفته و فعالند. اما پیش از بررسی نهاد مدنی لازم است منظورمان از مفهوم «نهاد» روشن شود. جفری ام. هاجسون در مقاله «ماهیت نهادها» در تعریف این مفهوم می‌نویسد: هرچند واژه نهاد، سابقه کاربرد دیرینه‌ای در علوم اجتماعی دارد، حتی امروز هم اتفاق نظری درباره تعریف این مفهوم وجود ندارد. نهادها آن نوع ساختارهایی هستند که عمدتاً در قلمرو اجتماعی معنا می‌یابند. آنها مواد حیات اجتماعی را تشکیل می‌دهند. نهادها به مثابه نظام‌هایی از قواعد تثبیت‌یافته و مرسوم اجتماعی هستند که به تعاملات اجتماعی، ساختار می‌بخشند. قواعد در این زمینه به مثابه احکام هنجاری مرسوم و قابل انتقال در عرصه‌های اجتماعی و یا حالات هنجاری فراگیری درک می‌شوند. نهادهای اجتماعی، عنصری را در مفهومی عام‌تر تشکیل می‌دهند که تحت ساختار اجتماعی شناخته می‌شوند. نهادها با ساختارمند کردن، محدود کردن و امکان‌پذیر ساختن رفتارهای فردی، این قدرت را می‌یابند که ظرفیت‌ها و رفتار کارگزاران را به شیوه‌هایی اساسی شکل دهند. آنها ظرفیت تغییر خواسته‌ها به جای تقویت یا تحدید صرف آنها را دارند (ر.ک: متوسلی و دیگران، ۱۳۸۹).

بنابراین در تعریف هاجسون، نهاد در نهاد مدنی، نقش یک واسطه را دارد. به طور کلی نهادهای مدنی به عنوان نهاد واسطه^۲، نقش تنظیم‌کننده رابطه و تعاملات بین مردم

1. Civil Society
2. Media institutions

و حاکمیت را به طور متقابل ایفا می‌کنند؛ یعنی به نوعی خواسته‌ها و انتظارات مردم را به حاکمیت منتقل می‌سازند و یک نوع ارتباط سازمان‌یافته و متشکل را بین این دو وجه پدید می‌آورند و از سوی دیگر به نوعی، انتظارات و کنترل حرکات توده‌ای مردم را قاعده‌مند می‌سازند. این نهادهای واسط اختصاص به عرصه سیاسی ندارند، بلکه در تمام عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی می‌توانند حضور داشته باشند و به عبارت دیگر، مصادیق نهادهای واسط را در تمام عرصه‌ها می‌توان شناسایی کرد. از این منظر، نهادهای واسط و قدرت آنها، نقش مهم دیگری را در جامعه ایفا می‌کنند و آن جلوگیری از آثار تخریبی جریان‌های توده‌ای است (بابایان، ۱۳۸۶: ۵۹). واضح است که در این پژوهش، نهادهای واسط در وجه غیر سیاسی‌شان بررسی می‌شوند.

به طور کلی نهادهای موجود در یک جامعه را می‌توان از نظر نیروهای دخیل در شکل‌گیری و کارکرد آن، به دو دسته تقسیم کرد (وثوقی و نیک‌خلق، ۱۳۷۱: ۱۴۸): یکی نهادهایی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم توسط دولت شکل گرفته‌اند و دوم نهادهایی که خارج از حوزه قدرت سیاسی توسط مردم با هدف دستیابی به برخی از اهداف و نیازها سازمان یافته‌اند. شکل‌گیری نهادهای مدنی بیش از آنکه تابع متغیر قوانین و مقررات باشد، تابع شرایط و مناسبات اجتماعی است. در واقع نهادهای مدنی زاییده نوعی از مناسبات اجتماعی است که معمولاً در جامعه مدنی محقق می‌شود و خصلت‌های برجسته این مناسبات دموکراسی و مشارکت سازمان‌یافته عمومی است. نهادهای مدنی، نقش میانجی میان بخش عمومی و بخش خصوصی را بازی می‌کنند و وظیفه آنها، ایجاد بستری برای تلفیق و تلاقی با مردم‌سالاری به شمار می‌روند. به عبارت دیگر نهادهای مدنی، ابزار سازمانی توسعه و مردم‌سالاری و برقراری کنش متقابل بین این دو هستند. نهادهای مدنی با ایفای نقش میانجی در میان نهادها و سازمان‌های گوناگون، میزان مشارکت مردم در اداره امور عمومی را بالا می‌برند. در واقع یکی از امتیازهای اساسی نظام‌های مردم‌سالار، وجود نهادهای مدنی در اینگونه نظام‌هاست. «جایگاه نهادهای مدنی آنجایی است که هابرماس از آن با عنوان «گستره همگانی» و سایرین با عناوین «سپهر عمومی»، «فضای همگانی» و جز آن از آن یاد کرده‌اند. منظور هابرماس از گستره همگانی، مشخص کردن جایگاه نهادهایی است که نه کاملاً به بخش

عمومی (دولتی) و نه کاملاً به بخش خصوصی (مردمی) تعلق دارند. هدف وی، نمایاندن جایگاه نهادهای مدنی و اکثر سازمان‌های غیر حکومتی در جامعه و عملکرد آنها در میان دو بخش یادشده است. نهادهای برخاسته از این حوزه است که نگاه‌داری، تقویت و دفاع از دستاوردها و حقوق مدنی و جوامع انسانی را برعهده دارند. هرچه تعداد، تنوع، کیفیت و آهنگ فعالیت نهادهای مدنی افزایش می‌یابد، جامعه با ایجاد فضاها و فرصت‌های بیشتر و بهتر بر امکانات فراگیری افراد می‌افزاید» (حریری اکبری، ۱۳۸۳: ۴۳).

بنابراین نهادهای مدنی از یکسو، خواسته‌ها و نیازهای مردم را شفاف‌تر کرده، توقعات ناآگاهانه فردی را به خواسته‌های جمعی متناسب با محدودیت‌ها تبدیل می‌کند و از سوی دیگر، مکانیسم‌های انتقال خواسته‌های عمومی را به دولت بهبود بخشیده، پاسخ به نیازهای اجتماع را با سهولت بیشتری ممکن می‌سازند (منوچهری و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۸). در همین پژوهش تصریح شده است که حقوق شهروندی فقط با شکل‌گیری نهادهای مدنی، مفهوم واقعی خود را پیدا می‌کند (همان: ۹۹). همچنین در جامعه در حال گذار امروز ایران، رشد نهادهای مدنی می‌تواند ضمن ایجاد انسجام بین توده‌های پراکنده زنان و مردان گسسته از بخش‌های رسمی (دولت) و غیر رسمی (قومیت و خانواده)، شکاف بین دولت و ملت را تقلیل بخشد و از گسترش شرایط نابسامان (آنومیک) و میزان آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن جلوگیری کند (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۹۴).

کارآمدی

بیشترین تأملات مفهومی درباره اصطلاح کارآمدی در علم مدیریت صورت پذیرفته است. «پیتر دراگر»، متفکر اتریشی که بسیاری او را پدر علم جدید مدیریت می‌نامند، کارآمدی^۱ را انجام کارهای درست می‌داند، حال آنکه کارایی^۲ را انجام درست کارها می‌داند. او خود بر این باور است که کارآمدی از کارایی مهم‌تر است و یا انجام کارهای درست، بسیار مهم‌تر از انجام درست کارهاست. از نگاه او نیز رهبری با نتایج تعریف می‌شود، نه با ویژگی‌ها (ممدوحی و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۹).

در حقیقت کارآمدی را می‌توان بیانگر قابلیت و توانایی یک نظام اجتماعی و سیاسی در رسیدن به اهداف تعیین‌شده و حل مشکلات جامعه دانست؛ آن هم با وجود امکانات

1. effectiveness
2. efficiency

و موانعی که در هر جامعه با توجه به اهداف آن متفاوت است. بر این اساس کارآمدی بر پایه مقوله‌هایی از قبیل توانایی، اهداف، امکانات و موانع جوامع مختلف تبیین می‌شود. در پاسخ به این سؤال که آیا رژیم سیاسی، توانایی تحقق اهداف حکومت، اداره جامعه و اداره امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مردم را دارد یا خیر، باید گفت هر اندازه که نظام سیاسی با توجه به توانایی و امکانات و موانع پیش روی خود به اهداف خود نایل آید، آن نظام سیاسی کارآمدتر است (لیپست، ۱۳۷۴: ۱۰).

درباره کارآمدی، نظریه‌های متعددی مطرح شده است که به صورت گذارا به هفت نظریه اشاره می‌گردد:

۱. نظریه توفیق: بر اساس این نظریه، هر سازمانی برای بررسی کارآمدی خود باید اساس محاسبه را «توفیقات نهایی» بداند. از این‌رو بر این پایه، روش‌ها در کارآمدی تأثیری ندارد.
 ۲. نظریه سیستم: بر این اساس نظام یا سازمان، هنگامی کارآمد است که ارتباط خروجی و ورودی آن کاملاً آشکار و قابل تبیین باشد؛ یعنی عملیات تغییر و تحول باید چنان روشن و مقید باشد که در هر شرایط محیطی، وقتی ورودی تحقق یافت، خروجی کاملاً معین باشد.
 ۳. نظریه رضایت مردم: طبق این نظریه، یک حکومت را در صورتی می‌توان کارآمد دانست که عناصر مؤثر در بقای خود را راضی کند.
 ۴. نظریه نسبیّت در کارآمدی: بر این بنیاد، مبنای واحد و اصیلی برای مفهوم و میزان کارآمدی وجود ندارد. از این‌رو ارزیابی در این بحث نسبی است.
 ۵. نظریه ذاتی عملی: این نظریه مبتنی بر نظریه ذاتی اعمال ارادی است که ریشه کارآمدی را در ماهیت عامل بودن حکومت می‌داند. نظریه مزبور برای هر عمل سه رکن قائل است: فهم عامل از وضعیت حقیقی، فهم عامل از وضعیت مراد و نیز برنامه عملی برای رسیدن به وضع مراد. در واقع هر عاملی که افعال درست‌تر (معقول‌تر) از او صادر شود، کارآمدتر است.
- نظریه انجام تکلیف: بر پایه این نظریه با تبیین و تعیین شاخص‌ها و محورهایی
۶. که وظایف و تکالیف نظام سیاسی را مشخص می‌کند، میزان التزام و تحقق این تکالیف، ملاک کارآمدی دانسته می‌شود.

۷. نظریه میزان اثرگذاری در روند امور: این نظریه، کارآمدی را ناظر به تأثیر عینی و واقعی در روند امور جامعه می‌داند و برای نفس «تأثیر» اهمیت قائل است (ذوعلم، ۱۳۸۸: ۱۲۰-۱۲۱).

به طور خلاصه، نهادهای مدنی در بستر جامعه مدنی امکان بروز و رشد دارند. در تعریف جامعه مدنی تأکید شد که در فعالیتهای جمعی، اگر نهاد خانواده از یکسو و نهاد دولت از سوی دیگر به کناری نهاده شوند، بقیه فعالیتهای جمعی ذیل عنوان فضا و عرصه عمومی و جامعه مدنی قابل بحث‌اند. برای بررسی دقیق‌تر، مجموعه این فعالیت‌ها تحت سه متغیر کلی «اقتصادی»، «اجتماعی» و «فرهنگی» تقلیل داده شدند. مرز این سه متغیر را بر اساس کارگزاران و بازیگران و میدان فعالیت آنها می‌توان ترسیم نمود. کارگزاران و بازیگران نهادهای اقتصادی، افرادی هستند که با هدف تأمین سود مادی در بازار، کارخانه‌ها و... به تولید و توزیع و ارائه خدمات مشغولند.

کارگزاران فرهنگی در این پژوهش نیز در ایران، اصالتاً یا حوزویان‌اند (و ملحقات آنان مثل جامعه مداحان و نخبگان هیئت مذهبی و...) که در حوزه‌های علمیه و نیز مساجد و تکایا برای گسترش فرهنگ دینی و مذهبی، به صورت سازمان‌دهی شده فعالیت علمی، تبلیغی و یا ترویجی می‌نمایند^(۲) و یا دانشگاهیان هستند که در مراکز آموزشی، پژوهشی و فناوری به تدریس و تحقیق اشتغال دارند و با هدف گسترش دانش، خروجی‌های علمی، فرهنگی و فناورانه دارند. فعالیتهای هنری نیز ذیل این نهادها می‌گنجد، زیرا مستظهر به دانشگاه و تخصص دانشگاهی است. فعالیتهای فرهنگی دانشجویی نیز ذیل همین متغیر مورد تأمل قرار می‌گیرد.

اما حیطه کاری کارگزاران نهادهای اجتماعی، اغلب خارج از فضای حوزه و دانشگاه است (هرچند معمولاً خود از تحصیل‌کردگان همین مراکز هستند) و با غایات سودجویانه وارد فعالیتهای اجتماعی نمی‌شوند. این گروه‌ها را در یک نگاه سلبی، بهتر می‌توان معرفی نمود. نهادهای غیر سیاسی که فعالیت اقتصادی و فرهنگی ندارند، همگی ذیل نهادهای اجتماعی در این مطالعه بررسی می‌شوند؛ اعم از نهادهای مردمی که فعالیت خیرخواهانه دارند و یا برای اوقات فراغت دیگران برنامه‌ریزی می‌نمایند. پس ماهیت فعالیت این نهادها از تلاش‌های پژوهشی و آموزشی جداست، همان‌گونه که با کارکردهای نهادهای اقتصادی نیز از اساس متفاوت است. برخی فعالیتهای دیگر را از

جهتی ذیل نهادهای مدنی می‌توان دسته‌بندی نمود. مثلاً فعالیت محیط‌زیستی، صبغهٔ میان‌رشته‌ای دارد و از زوایای مختلف می‌تواند بررسی شود. اما آن تشکلهای محیط‌زیستی مردمی که با قصد خیرخواهانه و برای خدمت به دیگران وارد فعالیت‌های زیست‌محیطی می‌گردند، ذیل نهادهای اجتماعی قرار می‌گیرند.

فعالیت بهداشتی و درمانی که جنبه خیرخواهانه داشته و به صورت نهادینه انجام می‌پذیرد نیز ذیل نهادهای اجتماعی قابل طرح و بحث‌اند. همچنین نهادهای مدنی قومی، زبانی و... که در صدد ترویج آداب و سنن محلی و منطقه‌ای هستند، می‌توانند به نهادهای اجتماعی ملحق گردند.

در جدول زیر، ویژگی‌های مؤلفه‌های اصلی سه نهاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه مدنی از نگاه این تحقیق بازتاب یافته است.

جدول ۱- مشخصات اصلی نهاد

عناوین	ساختار	کارکرد	کارگزاران	اهداف
نهادهای اقتصادی	تشکل‌های صنفی، انجمن‌های کارگری و کارفرمایی و...	مادی، تولید و توزیع و خدماتی	تجار بزرگ و صاحبان صنایع و...	کسب سود بیشتر
نهادهای اجتماعی	تشکل‌های مردمی مثل خیریه‌ها، ورزشی و...	خدمات اجتماعی و پر نمودن اوقات فراغت و...	نخبگان اقشار اجتماعی مردم اعم از جوانان و زنان و...	خدمات خیرخواهانه به دیگران و ایجاد نشاط و شادی و...
نهادهای فرهنگی	تشکل‌های علمی، آموزشی، پژوهشی و فناورانه (دانشگاهی) و تشکل‌های دینی و مذهبی (حوزوی)	ارائه خدمات علمی، آموزشی، پژوهشی، تبلیغی و ترویجی	نخبگان دانشگاهی و حوزوی	گسترش دانش و تعمیق و تثبیت فرهنگ دینی

روش منطقی آن است که برای انضمامی نمودن نهادهای مدنی، ابتدا این اصطلاح بر اساس مؤلفه‌هایی تجزیه شده و سپس مصادیق هر مؤلفه برشماری گردد. در یکی از

پژوهش‌ها، چهار مؤلفه زیر مبنای تقسیم نهادهای مدنی قرار گرفت: فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۷۴-۷۵). در الگوی نظری این مطالعه، مبنا سه متغیر اولیه یادشده (فرهنگ، اجتماع و اقتصاد) قرار داده شده و نهادهای محیط‌زیستی مدنی با این توجیه که غایات خیرخواهانه داشته و در خدمت اجتماعند، ذیل متغیر اجتماعی قرار گرفته‌اند.

تأملاتی در روش تحقیق

از جهت ماهیت تحقیق، پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است و با استفاده از روش کیفی و در دو بخش انجام می‌شود:

روش اسنادی

در این مرحله از منابع دست اول در این حوزه، شامل اسناد بالادست، کتاب‌ها، مقالات، گزارش‌های تحقیقی، رساله‌ها و... اطلاعات مورد نیاز فیش‌برداری شده است. با این روش، نهادهای مدنی مورد نظر احصا و در حوزه‌های سه‌گانه (فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) حداقل سه نهاد (نهادهای مدنی اجتماعی به دلیل گستردگی و تنوع شش نهاد) انتخاب شده و به تناسب نحوه تعامل آنها با قوای سه‌گانه و نقش آنها در کارآمدی این نهادها بررسی شده است.

روش غیر اسنادی

از تکنیک گروه‌های کانونی (در دو مرحله) و تکنیک دلفی (ر.ک: فتحی واجارگاه، ۱۳۸۷) به شرح زیر در این پژوهش استفاده می‌شود:

۱- گروه کانونی (مرحله اول): برای تصحیح و تکمیل داده‌های اسنادی در شناسایی و دسته‌بندی نهادهای مدنی در ارتباط با کارآمدی دولت، گروه‌های کانونی تشکیل شده است. در این گروه‌ها، شش تا هشت نفر از صاحب‌نظران که ابعاد موضوع را پوشش می‌دهند، شرکت دارند و بحث تا سطح قابل قبول اعضا ادامه می‌یابد.

۲- تکنیک دلفی: از آنجا که متغیر مستقل تحقیق نهادهای مدنی‌اند، در ادامه کار بر اساس مطالعات نظری و نتایج حاصل از نشست‌های گروه‌های کانونی، تأثیر نهادهای مدنی منتخب بر مؤلفه‌ها و شاخصه‌های کارآمدی دولت بر اساس این تکنیک سنجیده

شد، تا شاخص‌های کارآمدی دولت به تفکیک هر یک در نهادهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تعیین و اولویت‌بندی شود. تعیین نمونه دلفی به صورت هدفمند بوده است.

گروه کانونی (مرحله دوم)

برای تکمیل گزارش وضعیت موجود تعامل نهادهای مدنی با دولت از یک طرف و وثاقت داده‌ها در جلسات گروه‌های کانونی، نمایندگان این دو جریان (دولت و نهادهای مدنی) با هم در نشست‌ها حضور به هم رسانیده و پس از گفت‌وگو، نتیجه داده‌ها تحلیل شده است.

جمعیت آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری عبارت است از:

۱- اسنادی: کلیه منابع دست اول مقالات، کتاب‌ها، گزارش‌های دولتی، پایان‌نامه‌ها و... که با توجه به دسته‌بندی‌های موضوعی تقسیم شده‌اند و بر اساس اهداف تعیین شده انتخاب و بررسی شده‌اند.

۲- میدانی: جامعه آماری در این بخش، کلیه صاحب‌نظران و افراد مطلع شامل مدیران دولتی و نمایندگان نهادهای مدنی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را در برمی‌گیرد که به صورت هدفمند انتخاب شدند. شرط انتخاب آن است که در زمینه مزبور دارای تألیف بوده و یا در این حوزه مسئولیت داشته‌اند. جامعه نمونه شامل گروه کانونی مرحله اول با حداکثر هشت نفر، گروه دوم (دلفی) متوسط پانزده نفر و گروه کانونی مرحله دوم با حداکثر هشت نفر است.

روش‌ها و تکنیک‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱- اسناد مورد بررسی پس از فیش‌برداری و استخراج نتایج دسته‌بندی شده، نتایج به صورت توصیف و تحلیل یافته‌ها ارائه می‌شود.

۲- روش‌های آنالیز بر اساس هدف دلفی، ساختار راندها، نوع سؤالات و تعداد شرکت‌کنندگان تعیین می‌شود. تعیین وزن‌دهی شاخص‌ها و اولویت‌بندی آنها و حذف شاخص‌های غیر کارآمد صورت خواهد گرفت.

۳- تحلیل داده‌های مربوط به گروه‌های کانونی در مراحل زیر صورت گرفته است:

ابتدا داده‌های جمع‌آوری شده مرور و دست‌نوشته‌ها، فایل‌های صوتی و مشاهدات (تکرارها و تأکیدها) یکپارچه شده‌اند. سپس کدهایی برای نظرهای نزدیک به هم ایجاد کرده و داده‌های به دست آمده تحت کدها سازمان‌دهی شد و پاسخ‌های هر سؤال به چند طبقه تقسیم شد. کدگذاری‌ها آنقدر ادامه یافت تا به حالت اشباع نظرها برسد و از آن به بعد نظرها تکراری شود. پس از این، غنای اطلاعات سنجیده شد تا اطمینان حاصل شد که پاسخ‌ها رضایت‌بخش بوده و ناسازگاری اطلاعاتی وجود ندارد و نیازی به مصاحبه بیشتر نیست. در این مرحله گزارش نهایی تدوین شد.

برخی از مراحل پیموده‌شده در تعیین نهادهای مدنی و گردآوری داده‌ها به قرار زیر است:

۱- در انتخاب نهادهای مدنی برای مطالعات میدانی، این نکته مورد توجه و مفروض بود که این نهادها علاوه بر پذیرش اصل نظام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای شرایط و معیارهای زیر باشند:

- طول زمان: عمر نهاد (حتماً از ۸۴ سابقه داشته باشد)
- تعداد شعب (گستره ملی)
- تنوع فعالیت‌های معطوف به هدف (دغدغه کارآمدی)
- مدنی ماندن ساختارها و فرآیندها
- پایداری در اهداف و فلسفه وجودی

۲- برای بالا بردن دقت و اعتبار معیارها و گزینش مصادیق مناسب‌تر از نهادهای مدنی، درباره معیارهای گزینش نهادهای مدنی و مصادیق آنها از کارشناسان متعددی در فضای مجازی نظرخواهی شد. این روند مشابه «تکنیک دلفی» و در حد ضرورت در شبکه‌های اجتماعی و تا رسیدن به نتیجه‌ای نسبتاً روشن استمرار یافت.

۳- در گام بعدی گردآوری داده از طریق فضای مجازی و با استناد به سایت‌های مرتبط با نهادهای مقرر استخراج شد و هم داده‌های مربوط به اساسنامه آنان عیناً تحت عنوان ضمایم جمع گردید و هم با تعیین الگویی در قالب جداول مشخص با مؤلفه‌های همسان دسته‌بندی شد.

در تصمیم نهایی، فهرست نهادهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به قرار زیر تعیین نهایی شد:

جدول ۲- فهرست نهادهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی

نهادهای اقتصادی	نهادهای اجتماعی	نهادهای فرهنگی
- اتحادیه کشوری صنف مشاوران املاک - کانون سراسری انجمن‌های صنفی شرکت‌های حمل‌ونقل کالا - انجمن صنایع فرآورده‌های لبنی ایران	- مرکز مطالعات و تحقیقات زنان - مؤسسه خیریه امام علی ^(۲) - انجمن دیدبان کوهستان تهران (دکا) - صندوق قرض‌الحسنه جاوید - کانون وکلا - سازمان نظام پزشکی	- خانه سینما - انجمن جامعه‌شناسی ایران - مؤسسه اسرا

اشاره‌ای به الگوی نظری بحث

امکان طرح گسترده‌ی مباحث نظری و الگوی منتج از آن در طرح یادشده در این نوشتار نیست. برای نمونه در طرح اصلی بحث از عوامل و موانع شکل‌گیری جامعه مدنی آغاز شد و سپس به موضوع نهادهای مدنی سیر نمود؛ حال آنکه در این نوشتار مجال طرح چنین مباحثی نیست^(۳). از این‌رو به اشاره به برخی نکات پرداخته می‌شود:

۱. الگوی نظری تحقیق هرچند از مباحث پیشینیان (مثلاً نظریه سیستمی و...) بهره می‌گیرد، در اصل تأسیسی و ابتکاری است. به همین دلیل نیازی نیست بر الگوی پیشینیان تأکید شده و یا شرحی بیاید.
۲. این الگو بر اساس رهیافت سیستمی^(۴) (سیستم نظام جمهوری اسلامی و متغیر مستقل نهادهای جامعه مدنی و...) است.
۳. از امتیازهای بررسی بر اساس رهیافت سیستمی آن است که مسئله کارآمدی دولت که مورد بحث است، به خوبی مورد توجه قرار می‌گیرد. در این زمینه گفته شده است: هنگامی که برای بررسی سازمان (و اینجا تأثیر نهادهای مدنی بر نهاد دولت) از مدل سیستم‌گونه استفاده می‌شود، مسئله «کارآمدی» آن (به موازات سه رکن سیستم: ورودی، عملیات تغییر و تحول و خروجی)، به سه رکن تجزیه می‌شود. کارآمدی در این تئوری، مبتنی بر قدرت تهیه ورودی، نحوه انجام عملیات روی آن و نحوه سازمان‌دهی خروجی و حفظ استقرار در تعادل

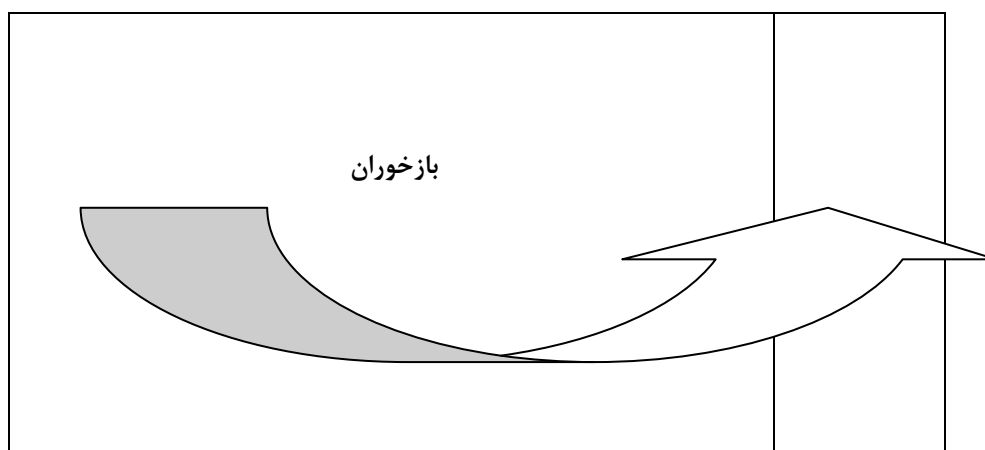
سیستم است. می‌توان گفت در روش سیستمی به نوعی بقای درازمدت سازمان، مبنای کارآمدی است. به نحو طبیعی بر اساس این رهیافت، فرض شده است که هر سیستم می‌تواند از زیرسیستم‌های متعددی درست شده باشد که مسئله کارآمدی درباره آنها نیز قابل طرح است. خودآگاهی در سیستم و بقا و دوام نیز یکی از ملاک‌های کارآمدی است (لاریجانی: ۱۳۷۳: ۸۱-۸۲).

۴. موضوع اصلی بحث، نقش نهادهای مدنی بر کارآمدی دولت است که این تأثیر را بر اساس کارکرد مثبت (که به عوامل مؤثر بر آن بازمی‌گردد) و یا منفی (که به موانع بازدارنده مربوط است) می‌توان سنجد. در مدل بالا، ارکان اصلی سیستم که ورودی، فرآیند، خروجی، محیط بیرونی و محیط درونی نظام‌اند، بر اساس دو متغیر کلیدی نهادهای مدنی و کارآمدی دولت ترسیم شده‌اند.

۵. عصاره مباحث مفصل طرح درباره الگوی نظری را می‌توان در قالب زیر نشان داد:

جدول ۳- الگوی نظری بحث

خروجی		فرآیندها	ورودی			
اقسام کارآمدی	دولت	(جعبه سیاه)	متغیرهای مؤثر بر کارکرد نهادها	رهیافت‌ها	اقسام نهادهای مدنی	مقسم
نتیجه اقتصادی	تقنینی قضایی اجرایی		عوامل / موانع	فعالیت‌های سنتی / مدرن	نهادهای اقتصادی	داده‌ها
نتیجه اجتماعی			عوامل / موانع	فعالیت‌های سنتی / مدرن	نهادهای اجتماعی	
نتیجه فرهنگی			عوامل / موانع	فعالیت‌های سنتی / مدرن	نهادهای فرهنگی	
محیط درونی سیستم (قوت‌ها و ضعف‌های دستگاه‌های دولتی و نهادهای مدنی)			محیط بیرونی سیستم (فرصت‌ها و تهدیدهای مؤثر بر تعامل نهادهای مدنی و دولت)			



در ادامه یافته‌هایی که بر اساس الگوی یادشده، تنها در زمینه عوامل و موانع مؤثر بر نقش نهادهای مدنی بر کارآمدی دولت استخراج شده است، به طور مستقل برشماری می‌شود.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های جلسات کانونی ذیل چند مقوله طبقه‌بندی شد. مقوله اول، توصیف انجمن مربوطه که هم فعالیت‌های فعلی و هم پتانسیل‌های بالفعل نشده را در برمی‌گرفت. مقوله دوم، چرایی ظرفیت‌های بالفعل نشده و یا چرایی اثرگذاری این انجمن بر دولت مقوله‌بندی شد و در مرحله سوم بایدها و نبایدها و راهکارهای اثربخشی نهاد مدنی بر کارآمدی دولت استخراج شد. بررسی هر یک از مقوله‌ها با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده، پژوهشی جداگانه می‌طلبد. در اینجا با توجه به مجموعه یافته‌ها، عوامل و موانع مؤثر نقش‌آفرینی نهادهای مدنی بر کارآمدی دولت را استخراج کردیم.

طبق یافته‌های ما، مجموعه داده‌های گروه کانونی مرتبط با نقش نهادهای مدنی در کارآمدی دولت را می‌توان به دو دسته متمایز تقسیم کرد: متغیرهایی که سبب کارآمدی بهتر دولت و متغیرهایی که سبب ناکارآمدی دولت می‌شوند. دسته اول به عنوان «عوامل» و دسته دوم به عنوان «موانع» کارآمدی دولت دسته‌بندی شده‌اند. این عوامل و موانع را نیز یا نمایندگان نهادهای مدنی طرح کرده‌اند و یا نمایندگان

دستگاه‌های دولتی. مجموعه عوامل و موانع مؤثر بر نقش نهادهای مدنی بر کارآمدی دولت در جدول زیر سامان یافته‌اند:

**جدول ۴- عوامل مؤثر بر نقش آفرینی نهادهای مدنی در کارآمدی دولت
از نگاه اعضای نشست گروه‌های کانونی**

۱	آموزش سیاسی تشکل‌های مردم‌نهاد در موضوعات مختلف
۲	نقد اجتماعی برنامه‌ها و سیاست‌های دولت
۳	ایفای نقش بازوی مشورتی دولت
۴	حرکت به سوی تحقق اصل عدم مداخله دولت
۵	نقش نظارتی، حمایتی و توسعه‌ای انجمن‌ها
۶	ظرفیت‌سازی در سازمان‌های مردم‌نهاد
۷	شبکه‌سازی سازمان‌های مردم‌نهاد
۸	NGOها و کنترل بحران‌های محیط‌زیستی
۹	نقش معاضدت قضایی و تعیین وکیل تسخیری از سوی کانون وکلا
۱۰	متقاعدسازی دولتی‌ها از سوی تشکل‌های مردمی
۱۱	توجیه مردم به وسیله نمایندگان نهادها و دولت
۱۲	کاهش هزینه دولت با ورود نهادهای مدنی در امور
۱۳	فعالیت نهادینه و ساختارمند نهادهای مدنی
۱۴	امضای تفاهم‌نامه با دولت
۱۵	افزایش اختیارات تشکل‌های کانونی
۱۶	واگذاری برخی از امور به نهادها
۱۷	برگزاری جلسات توجیهی برای انجمن‌ها
۱۸	همکاری در تدوین قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌ها جهت احقاق حقوق مشروع صنف
۱۹	حضور یکی از نمایندگان تشکل‌ها در همه تصمیم‌گیری‌های کلان دولتی
۲۰	تصحیح سیاست و رفتار دولتی‌ها به جهت تذکر نهادها (در موارد محدود)
۲۱	تسهیل مناسبات مسئولان انجمن‌ها با مسئولان دولتی
۲۲	داشتن تجربه فعالیت در تشکل‌های مردمی در میان کارگزاران دولتی
۲۳	داشتن تجربه فعالیت در دولت در میان اعضای تشکل‌های مردمی

جدول ۵- موانع مؤثر بر نقش آفرینی نهادهای مدنی در کارآمدی دولت
از نگاه اعضای نشست گروه‌های کانونی

بی‌اعتمادی و بدبینی دولتی‌ها به نهادهای مدنی	۱
بی‌اعتمادی نهادهای مدنی نسبت به دولت	۲
تشکیل تشکلهای صوری مردمی	۳
رقابت ناسالم دولتی‌ها با نهادهای مدنی	۴
قوانین نامناسب، غلط و ناقص	۵
دخالت دولت (تصدی‌گری) به جای نظارت	۶
فعال شدن تنها بخش کوچکی از ظرفیتهای انجمن‌ها	۷
سخت‌گیری در صدور مجوز برای تأسیس تشکلهای	۸
تبیانی انجمن‌های صنفی با هم (به جای رقابت) برای کسب سود بیشتر از مردم	۹
وارد نشدن چرخه‌ای و زنجیره‌ای نهادهای مردمی و دولت به امور صنفی	۱۰
فقدان شفافیت در برخی نهادهای صنفی	۱۱
وجود فساد اداری و اقتصادی در دولت	۱۲
بی‌اطلاعی از مشکلات، توان و ظرفیتهای انجمن‌ها	۱۳
ضعف و گاه سوء تدبیر انجمن‌ها	۱۴
منظور نمودن نقش نهادهای مدنی در برنامه ششم	۱۵
تجاری شدن انجمن‌ها به جهت ضعف مادی	۱۶
سخت‌گیری‌های مالیاتی بر تشکلهای مردمی	۱۷
وجود نگاه و رویکرد امنیتی به انجمن‌ها	۱۸
ناهماهنگی دستگاه‌های حکومتی در تعامل با انجمن‌ها	۱۹
ناهماهنگی انجمن‌ها با هم	۲۰
ناهماهنگی سیاست‌های اعلامی با اعمالی دولتی‌ها	۲۱
هزینه بر بودن شفافیت برای انجمن‌ها	۲۲
فقدان گردش اطلاعات	۲۳
فقدان مدل فراگیر برای تدبیر انجمن‌ها	۲۴
فقدان نظارت کافی بر انجمن‌ها	۲۵
جزیره‌ای عمل نمودن دولت و نهادها	۲۶
اتکای دولت به نفت و استغنائی از انجمن‌ها	۲۷
ورود نهادهای حاکمیتی به حیطه فعالیت انجمن‌ها	۲۸

رقیب‌تراشی برای نهادهای مدنی درون دستگاه‌ها	۲۹
تعمیم ضایعات فردی به نهادها	۳۰
همکاری نکردن قوه قضاییه با تشکل‌های مردم‌نهاد	۳۱
تضعیف نهادهای مدنی نیرومند از سوی دولت	۳۲
پایین بودن ظرفیت فرهنگی و اجتماعی نهادهای مدنی	۳۳
ضعف بدنه کارشناسی دولت	۳۴
تغییر و جابه‌جایی سریع مدیریت‌های دولتی	۳۵
استقبال نشدن از ایده‌های انجمن‌ها از طرف دولت	۳۶
تزلزل در قانون و قانون‌نویسی	۳۷
الزامی نبودن نظر کارشناسان در طرح‌ها و لوایح	۳۸
نهادینه و برنامه‌محور نبودن امور در دولت و تشکل‌های مردمی	۳۹
بزرگ و گسترده بودن دولت	۴۰
بی‌توجهی کافی به انجمن‌های تخصصی	۴۱
فقدان زیرساخت لازم برای فعالیت انجمن‌ها	۴۲
فقر آموزش انجمن‌ها	۴۳
پایین بودن قدرت و اختیارات انجمن‌ها	۴۴
مقطعی، موردی، غیر منسجم و سلیبی بودن پیشنهادهای انجمن‌ها	۴۵
تعدد مراجع صدور مجوز برای انجمن‌ها	۴۶

اشاره به دو نکته ذیل این جداول ضروری است:

- ۱- از نظر کمی، دو برابر بودن موانع ارتباطی نهادهای مدنی با دولت (عوامل ۲۳ و موانع ۴۶ مورد) معنادار است و این پیام را منتقل می‌نماید که در تعامل تشکل‌های مردمی با دولت، تهدیدات بیش از فرصت‌هاست.
- ۲- برخی از عوامل و موانع یادشده، تنها به تشکل‌های مشخصی اختصاص دارد و برخی دیگر با اندکی تسامح، نکات مشترک همه نشست‌ها بود. از این‌رو از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. این موارد مشترک در بین عوامل و موانع (که بیشتر از سنخ موانع بودند) مجدداً طرح می‌شوند و به صورت جداگانه مورد تأکید قرار می‌گیرند:
 - واگذاری برخی از امور به نهادهای مردمی
 - بی‌اعتمادی و بدبینی طرفینی دولتی‌ها و نهادهای مدنی

- وجود قوانین نامناسب، غلط و ناقص
- دخالت دولت (تصدی‌گری) به جای نظارت
- وجود تشکیلات گسترده و عریض و طویل در دولت
- وجود نگاه و رویکرد امنیتی به انجمن‌ها
- ناهماهنگی سیاست‌های اعلامی با اعمالی دولتی‌ها
- پایین بودن ظرفیت فرهنگی و اجتماعی نهادهای مدنی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

کمترین نتیجه‌ای که از نشست کانونی با نمایندگان نهادهای مدنی و دولت در سه رویکرد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به دست آمد آن بود که در ایران از طرف دولت در اصل علاقه‌ای برای واگذاری نقش حاکمیتی و اداری به بخش خصوصی وجود ندارد، مگر در زمینه‌ای که به شدت به نقش نهادهای مدنی، احساس نیاز شود. در غیر این صورت، این انجمن‌های مردم‌نهادند که با ایجاد ظرفیت در تعامل با دولت، برای خود جای پای باز نموده، با فعالیت‌های جدی و منسجم خود در کارآمدی دولت نیز ایفای نقش می‌نمایند. هر نهاد مدنی که دارای قدمت، اعتبار اجتماعی بالا، عوامل، برنامه و سازمان‌دهی بهتر و نیرومندتر است، در کارآمدی دولت نیز نقش مثبت‌تری ایفا می‌کند. در نشست‌های کانونی این مطالعه، داده‌های مناسبی از قوت‌ها و ضعف‌ها و تهدیدها و فرصت‌های مربوط به نهادهای مدنی به دست آمد که نمی‌تواند و نمی‌باید در این تحقیق بدان‌ها پرداخت و البته مواد خام شایسته‌ای برای تحقیق دیگری، ویژه نهادهای مردمی است؛ زیرا موضوع بحث، بررسی کم و کیف نهادهای مدنی تنها نیست و سخن اصلی، نقش و سهم آنها در کارآمدی دولت است. مثلاً مؤسسه خیریه امام علی^(ع)، طرح‌های بسیار گسترده‌ای در روستاها اجرا نمود، بدون اینکه نقش دولت در فعالیت‌های آنها پُررنگ باشد و یا انجمن جامعه‌شناسی ایران با برگزاری همایش‌هایی چون همایش ملی پیشگیری جرم، نقش مدیریت شهری در توانمندسازی سکونت‌گاه‌های غیر رسمی، همایش ملی بررسی چالش‌های اجتماعی-امنیتی در سواحل دریای خزر، همایش دولت محلی کارآمد در ایران، همایش حکم‌روایی خوب شهری و... دست‌کم در ابعاد نظری

می‌توانست در کارآمدی دولت نقش داشته و این داده‌ها در تصمیم‌سازی‌ها مفید باشد. اما متأسفانه بنا به گزارش دبیر پیشین انجمن، دولت با انجمن ارتباط مناسبی نداشته و انجمن برای خودش فعالیت می‌نماید.

نسبی بودن روابط نهادهای مدنی با دولت و کارآمدی آن: از جمله نتایج حاصل از این تحقیق آن بوده است که روابط بین دولت و نهادهای مدنی، «نسبی» است و به عوامل متعددی گره خورده و در نسبت با برخی از متغیرها می‌تواند شرایط بهتر و یا بدتر داشته باشد. برخی از عوامل تأثیرگذار عبارتند از:

۱. زمان: در مقطعی، رابطه نهادهای مدنی با دولت نیرومندتر (مثلاً عصر اصلاحات و یا زمان دولت اعتدالی) و در مقطعی، ضعیف‌تر بوده است.

۲. مکان: در برخی از مکان‌ها و موقعیت‌ها، نقش تشکل‌های مردم‌نهاد جدی‌تر و مؤثرتر است (مثل استان تهران و یا استان فارس) و در بسیاری از استان‌ها، نهادهای مدنی در وضعیت مطلوبی قرار ندارند (مثلاً استان سیستان و بلوچستان و یا خراسان شمالی) (۵). واضح است وقتی نهادهای مدنی در موقعیتی در وضع نحیفی به سر می‌برند، بحث نقش نهادهای مدنی بر کارآمدی دولت در آن جغرافیا، «سالبه به انتفاع موضوع» است.

۳. محور فعالیت: انجمن‌هایی که مسائل زیست‌محیطی را تعقیب می‌کنند، کمتر تهدید می‌شوند (و البته زیاد هم مورد استقبال نیستند)؛ اما اگر نهادی مدنی در حیطه‌های سیاسی و امنیتی ورود پیدا کند و یا موضوعی که از نگاه کارگزاران خط قرمز دارد (مثلاً مطالعات زنان و کنش‌های بانوان)، در این صورت نهادهای مدنی سرکوب نیز می‌شوند. تنها در برخی محورها که یا اصلاً کاری به حریم دولتی ندارند (امور خیریه) و یا می‌توانند معدوم شده و دولت به آنها نیاز دارد (اتحادیه‌های صنفی)، نهادهای مدنی مورد استقبال قرار می‌گیرند.

۴. شخص حقیقی: اشخاص حقیقی که متولی نهادهای مدنی و یا دستگاه‌های دولتی می‌شوند، در ایجاد ارتباط شایست و یا ناشایست بین نهادهای مدنی و دولت نقش برجسته‌ای دارند. چه بسا مسئولی که سابقه فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد داشته، از نهادهای مدنی بهتر از مسئولان دیگر استقبال می‌نماید و یا دبیر یک انجمن که

سابقاً مسئولیت دولتی داشته و یا دارد، بهتر با شیوه‌های گفت‌وگو با دولت‌بان‌ان آشناست و توفیق بیشتری دارد. همچنین با عزل و نصب مسئولی دولتی، کم و کیف ارتباط با نهادهای مدنی تغییر بنیادین می‌کند.

۵. هویت نهادهای مدنی: در نشست‌های کانونی معلوم شد که برخی تشکل‌های مدنی از تشکل‌های دیگر در ایجاد ارتباط با دولت و تأثیرگذاری بر دولت موفق‌ترند. دلیل کار نیز به هویت انجمن^(۴) بستگی دارد که تا چه حد در عرصه‌های مختلف خوب، موفق و قوی ظاهر شده است. حرفه‌ای و جدی بودن و یا نبودن انجمن، بر شیوه تعاملش با دولت مؤثر است. دولت‌بان‌ان لاجرم انجمن‌های با اعضای بالا و تأثیرات گسترده را می‌پذیرند.

۶. نوع قوای حاکم: از سه قوه مقننه و مجریه و قضاییه، تعامل آنها با نهادهای مدنی و بالعکس یکسان نیست و کمترین تعامل با نهادهای مدنی از سوی قوه قضاییه و بیشترین ترابط (در موقعیت‌هایی) از سوی قوه مجریه صورت می‌پذیرد.

پی‌نوشت

۱. از میان برداشت‌های مختلف، برداشت مبتنی بر اقتصاد سیاسی از جامعه مدنی مبنای

تحقیق حاضر بود. تفصیل بحث را دست‌کم در منابع زیر ببینید: بشیریه، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۴.

۲. طبق مبانی این تحقیق، دامنه و مصادیق نهادهای مدنی تنها شامل نهادهای مدرن نیست،

بلکه نهادهای مدنی در گفتمان سنتی نیز فعال بوده و هستند. برای شرحی بر این نکته

دست‌کم ببینید: فیرحی، ۱۳۸۲.

۳. مثلاً در زمینه موانع تحقق نهادهای مدنی در یکی از پژوهش‌ها آمده: سه چیز می‌تواند

مانع شکل‌گیری جامعه مدنی در یک اجتماع شود: منابع حقوقی، برداشت‌های دینی/

کارشناسان دینی و در آخر سایر نگاه‌های ارزشی که با مدنیت هماهنگ نیست.

Afghan Women's Educational Center (AWEC) 2007, p1

۴. برای تفصیل مباحث نظریه سیستمی با آخرین بازخوانی‌ها دست‌کم ببینید: چیلکوت،

۱۳۷۷.

۵. سازمان‌های مردم‌نهاد به تفکیک استانی در سال ۱۳۹۰ (سایت سازمان محیط‌زیست)

<https://www.doe.ir/Portal/Home/Default.aspx?CategoryID=5A3BB286-F122-4D41-AED7-3CA6EB7E7D41>

۶. نهادهای مدنی اقسام گوناگون دارند که ساختار آنها می‌تواند بر ایفای نقش آنان نیز مؤثر باشد. بر اساس مبانی گوناگون می‌توان به تقسیم‌بندی متفاوت زیر رسید: ۱- نهادهای مستقل، وابسته و منزوی ۲- نهادهای تخصصی (علمی و...) و نهادهای خیریه‌ای ۳- نهادهای انتفاعی (صنعی) و غیر انتفاعی ۴- نهادهای پیش‌بینی شده در قانون (مثل اتحادیه‌های صنفی و اصناف و...) و نهادهای پیش‌بینی نشده و ابتکاری ۵- نهادهای دارای نقش حمایتی، توسعه‌ای و نظارتی.

منابع

- بابایان، علی (۱۳۸۶) «نقش نهادهای واسط در نظام کنترل اجتماعی»، تهران، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره سوم، صص ۵۹-۷۵.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴) دولت عقل: ده گفتار در فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، مؤسسه نشر علوم نوین.
- (۱۳۷۶) جامعه مدنی، قدرت، ایدئولوژی: موانع تحقق جامعه مدنی در ایران، مجموعه مقالات جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- چیلکوت، رونالد (۱۳۷۷) نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- حریری اکبری، محمد (۱۳۸۳) «مدیریت توسعه و نهادهای مدنی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۲، صص ۴۱-۵۵.
- ذوعلم، علی (۱۳۸۸) تجربه کارآمدی حکومت ولایتی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۳) نهادهای مستقل مدنی، مسائل، موانع و راهبردهای مشارکت زنان در ایران، تهران، سوره مهر.
- فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۷) نیازسنجی پژوهشی: مسئله‌یابی و اولویت‌بندی طرح‌های تحقیقاتی ویژه مدیران و کارشناسان واحدهای پژوهشی، چاپ دوم، تهران، آبیژ.
- فیرحی، داوود (۱۳۸۲) «جامعه مدنی (خاستگاه دو گانه)»، در: مجموعه مقالات جامعه مدنی و اندیشه دینی، تهران، پژوهشکده فرهنگ و معارف.
- لاریجانی، جواد (۱۳۷۳) حکومت: مباحثی در مشروعیت و کارآمدی، تهران، سروش.
- لیپست، سیمور م. (۱۳۷۴) «مشروعیت و کارآمدی»، ترجمه رضا زبیب، فرهنگ توسعه، سال چهارم، شماره ۱۸، خرداد و تیر، صص ۱۰-۱۱.
- متوسلی، محمود و دیگران (۱۳۸۹) اقتصاد نهادی: پیشگامان نهادگرایی که علم اقتصاد را متحول کردند، تهران، دانشگاه امام صادق.
- ممدوحی، امیررضا و دیگران (۱۳۹۰) «ارزیابی اثربخشی نظام‌های اطلاعات بازاریابی با رویکرد راهبردی»، چشم‌انداز مدیریت بازرگانی، شماره ۴۱، صص ۷۹-۹۲.
- منوچهری، عباس و دیگران (۱۳۹۱) حقوق و نهادهای مدنی در ایران و پدیده جهانی شدن، طرح پژوهشی خاتمه یافته گروه علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی.
- وثوقی، منصور و علی‌اکبر نیک‌خلق (پاییز ۱۳۷۱) «مبانی جامعه‌شناسی»، چاپ پنجم، تهران، خردمند.

Afghan Women's Educational Center (AWEC) (2007) Examples of Collaborative Relations between Civil Society Organizations and Government Institutions, Kabul, Afghanistan.